

محراب مسجد حوضی کرمان - مرآت - افغانستان

مقدمه

واژه «محراب» یکی از اصطلاحات مسجدی به شمار می آید، که لغت‌دانان زبان عربی آن را با شرح و تفسیر در فرهنگ‌های گوناگونی داده‌اند. نظر تمامی لغت‌دانان بر این است که «محراب» کلمه‌ای عربی می‌باشد و آن را ذیل واژه «عرب» آورده‌اند. دلیل اختیار چنین نظری، ورود این کلمه در اشعار عرب جاهلی و نیز تکرار فراوان آن در قرآن کریم است. البته، لغت‌دانان بر اینکه کلمه «محراب» ریشه‌ای عربی دارد متفقند، اما در مورد معنا و مذلول واحد آن، بویژه اصطلاحات مسجدی اش، بر یک نظر نیستند. نمونه‌هایی از معانی کلمه «محراب» که لغت‌دانان براساس اشعار عربی قدیم آن را ترجمه کرده‌اند، در پی می‌آید:

ولطاب الیمن می‌گوید:
«رَبِّةٌ مَّحْرَابٌ إِذَا جَتَّهَا

لَمِ الْفُجَاءُ، أَوَّارَتْقَى سَلْمًا»^۱

در اینجا، «محراب» به معنای اتاق بلند (بالاخانه) است.

اسروالقیس می‌گوید: «... كَسْفَرْلَانَ رَمَلَ فِي مَحْرَابٍ

أَنْوَالٍ»^۲. «محراب» در اینجا نیز به همان معنای فوق‌الذکر است.

در کتاب «لسان العرب»، گفته‌ی شاعری چنین آمده است:

«وَمَا مَغْتَبِ بَشَى الْحَوِی مَجْتَلٍ

فِي الْغُبَلِ، فِي جَانِبِ الْعَرِيسِ، مَحْرَابًا»

در اینجا، «محراب» به معنای «مجلس» است.

اعشى گوید:

«أَوْدَمِيَّةٌ صَوَّرَ مَحْرَابَهَا

أَوْدَعَةَ شَيْفَتِ^۳ إِلَى تَاجِرٍ»

«محراب» در اینجا «نصر» معنا می‌دهد.

در «لسان العرب» از اجزای نقل است: «... كَأَنَّهَا لِمَاسِمَا

مَحْرَابِهَا». «محراب» در اینجا، به معنای «گردن چهارپا» است.

شاعری گوید:

«أَوْدَعِيَّةُ الْمَحْرَابِ قُدْلَعِيَّةٌ

أَبْدَى النَّبَاةِ يَزْخَرُفُ الْإِتْرَاصِ»

«محراب» در این شعر، به معنای مکان شریف خانه است.

عمر بن ابی ربيعة^۴ گوید:

«أَوْدَمِيَّةٌ عُنْدَ رَأْسِ ذِي الْجَتَّاهِدِ

صَوَّرَهَا فِي جَانِبِ الْمَحْرَابِ»

و نیز در دیوان هدی بن زیدعبادی است:

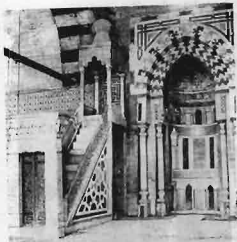
«وَكَدَمِي الْحَاجِ فِي الْمَحَارِبِ أَوْكَالِ

سَبِيضِ فِي الرُّوْضِ، زَهْرُهُ مَسْتَبِيرٌ»^۵

محراب

نویسنده: طه‌ولی

مترجم: سیدسید محمد سیدحسینی



محراب مسجد ای صخره، قاهره، مصر

شاعری گوید:

فجرع الاحبوس سما ناعماً

واحتل من عشدان محراب الدما

در این ۲ مورد، محراب به معنای نورشکی دیوار در معابد و کاخها برای قراردادن هدایای گرانبهاست.
مخبل سندی می گوید:
«کعبه‌الذراستفاه بها

محراب عرش، عزیزها العجب»

در این شعر، محراب به معنای مکانی در کتیبه یهودیان است که پنی اسرائیل برای تیسادل نظر در امور جنگ، در آنجا می نشستند.
اعشی گوید:

فوتری مجلساً یقص به المحرا

ب ملقوم، والیاب رفاق»^۹

در اینجا، محراب نیز به همان معنای بالاست.

در لسان العرب آمده است: محراب، محل زندگی شیراست. می گویند: «دخل فلان علی الأسد فی محرابه و غلبه و عربته» (فلان باشیری در محل زندگی، لانه و بیشه اش روبرو شد) و «المحراب مجلس الناس و اجتماعهم» (محراب، محل نشستن و گرد آمدن مردم است).

از آنچه درباره معنای محراب در اشعار عرب آمده، می توان این نتیجه را گرفت که معنای این کلمه همیشه با مفهوم بلندی، رفعت و شرافت مرتبط است. اعم از اینکه درباره مکان، حیوان یا انسانی باشد. به هر حال، این کلمه در زبان عرب جاهلی، به معنای اصطلاح مسجیدی آن - که بعد از گسترش مساجد در سوزینه های اسلامی رایج شد - نبوده است. علت نیز روشن است، زیرا عبادتگاههای عرب در عهد جاهلیت، به شیوه معمول در مساجد اسلامی ساخته نشده بودند. دیگر اینکه، در این عبادتگاهها محراب به مانند آنچه بعدها در داخل مساجد احداث شد، وجود نداشت. در همین مورد، کاپیتان کروزیل ضمن ریشه یابی کلمه محراب می گوید:
این واژه در اشعار قدیم عرب آمده است. البته، در آن روزگار محراب به امور دینی اشاره نداشت، بلکه دلالت بر امور دنیوی می کرد.^{۱۰}

نولده» نیز این گونه نظر داده، و آن را به معنای کاخ شاه یا امیر گرفته است.

رودرکوناکس^{۱۱}، مستشرق آلمانی، ضمن بررسی ریشه کلمه محراب می گوید: محراب مکان یا قسمتی از قصر پادشاهان و مخصوص قراردادن تخت است، همان گونه که در قصر «عبره» دیده می شود.

محمد زکی در کتاب الفن الاسلامی فی مصر پس از

تفسیری لغوی از کلمه محراب در نزد عرب، می گوید: ... مقصود از این کلمه قصر یا قسمتی از قصر، یا محل زنان در خانه یا طاقچه ای که در آن مجسمه قرار می دهند، بوده است.^{۱۲} برای مزینک از این استعمالها، شواهدی وجود دارد که پروفسور پلوسون در دائرة المعارف الاسلامیه ذیل ماده «مسجد»، آنها را بر شمرده است.

محراب در قرآن کریم

در ۴ جای قرآن کریم، کلمه محراب با صیغه مفرد و در یک موضع با صیغه جمع (محراب) آمده است. البته، قرآن کریم این کلمه را در هر ۲ صیغه، به معنای مشهور مسجیدی آن استعمال نکرده، بلکه معنای قرآنی آن منحصر در ۲ معنای ذیل است:

۱. صدر، جلو و بهترین نقطه یک ساختمان
۲. اتاقکی که در جلوی معد لعل کتاب (پهروی و مسیحی) قرار دارد.
۳. کاخ یا قصری که محل اقامت پادشاه باشد.
۴. مکانی که فقط از آن شاه است، و به وسیله آن از دیگران ممتاز می شود.

در ذیل، آیهاتی که در آن کلمه محراب و محراب آمده است، بیان می شود:

۱. «كَلِمًا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ مِنْهَا رِزْقًا...»^{۱۳}
 ۲. «فَتَدَاةَ الْمَلَكَاتِ وَهُوَ قَائِمٌ يُعَلِّمُ فِي الْمِحْرَابِ...»^{۱۴}
 ۳. «فَرَجَّ عَلَي قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ...»^{۱۵}
 ۴. «فَعَلِ اتَّكَ نِيَا الْخِصْمِ اذْهَبُوا الْمِحْرَابِ»^{۱۶}
- در این آیهات مقصود از محراب، اتاقی است که بلند واقع

شده است. همچنین محراب، اتاق متعلق در عبادتگاه، جلوی خانه و شریف ترین نقطه آن نیز معنا می دهد. نیز، برخی مفسران این کلمه را به مجموعه ساختمانی عبادتگاه اطلاق کرده اند.

۵. «محلون له مایشاء من محارِب و تماثیل و جفان

کالجواب» ۱۵

براساس گفته مفسران، کلمه محارِب در این آیه، شامل یکی از معانی ذیل است: قصرها، عبادتگاهها، خانه های معمولی و بناهایی پایتتر از سطح کانهای عظیم.

محراب در احادیث

پس از مراجعه به کتابهای حدیث مورد اعتماد و اطمینان و حتی مقبوله، کلمه محراب در احادیث منسوب به پیامبر اکرم (ص) یافت نشد. این، بدان معناست که پیامبر اکرم (ص) در ضمن بیان مسجد، از کلمه محراب - چه از جهت بنای آن و چه به لحاظ حکم نماز گزاردن در آن - ذکری به میان نیاورده است. اما در کتابهای تفسیری و روایی هرگاه موضوع مربوط به محل نماز پیامبر در مسجد النبی (ص) یا جای مخصوص امام جماعت در این مسجد و دیگر مساجد باشد، بارها به کلمه محراب اشاره شده است.

زوکشی به هنگام ذکر مسجدالنبی در مدینه منوره و متعلقاش، همانند خصوصیات، احکام و فضایل آن، می گوید: در حکم نماز خواندن در محراب رسول الله (ص) جای اجتهاد نیست،^{۱۶} زیرا این عمل به هیچ اشکالی قبلاً صحیح است. بنابراین، جایی برای اجتهاد درباره آن باقی نمی ماند. حتی در مورد نماز گزاردن در راست و چپ این محراب نیز جای اجتهاد نیست، به خلاف دیگر محرابها. و منظور از محراب رسول الله (ص) همان محل نماز ایشان است، زیرا در آن زمان محرابی وجود نداشت.

راقصی گوید: اگر دو مورد مکاتهای دیگری که رسول خدا (ص) در آنها نماز گزارده است نیز واژه محراب ضبط شده باشد، آنجا هم به منزله محراب مدینه است.^{۱۷}

بنابراین، تاریخنگاران مسلمان، کلمه محراب را در اصطلاح شایع مسجدی آن استعمال نکرده اند، مگر پس از فتوحات اسلامی، و - بنا بر قول ارجح - در زمان خلافت ولید بن عبدالملک (۸۸ تا ۸۹ هـ. ق). در این زمان، خلیفه اموی به عمرین عبدالعزیز، والی مدینه، دستور داد تا مسجدالنبی (ص) را خراب کند و بار دیگر از نو بسازد.

محراب نزد تاریخنگاران مسلمان

در مصباح العنبر آمده است: ... و می گویند: محراب از کلمه «محرابه» گرفته شده است، زیرا نماز گزار به سبب حضور قلب یا شیطان و هوای نفس مبارزه و محاربه می کند.^{۱۸} در اعلام المساجد باحکام المساجد آمده است: محل ایستادن



محراب مسجدالنبی

امام را در مسجد محراب می گویند، زیرا شریف ترین جای مسجد است. ... و گفته اند: محراب، مکانی در برابر نماز گزاران است، و از آنجا که نماز گزار با اطاعت خداوند با شیطان و دشمنان خدا مبارزه می کند، آن را به این نام خوانده اند.^{۱۹}

تفسیر لطفی از محراب

همچنانکه تاریخنگاران مسلمان در گذشته تفسیر واژه محراب را در میان ریشه های لغوی موجود در اشعار عرب و قرآن کریم جستجو می کردند، یکی از مورخان مسلمان معاصر با پیوند این کلمه به واژه حربه (نیزه کوچکی)، آن را معنا و تفسیر کرده است. دکتر حسین مؤنس در مقاله ای با عنوان «رحله مع مساجد الکویت» که مجله عربی آن را به چاپ رساند، آورده است: دیوار اصلی که به سمت مکه مکرمه است، دیوار قبله نامیده می شود. در قسمتی از این دیوار علامتی برای نشان دادن سوره قسیمی که امام جماعت مقابل آن می ایستد، نصب می شود. این علامت ابتدا نیزه کوچکی (حربه) بود که در زمین فرو می شد. و لفظ محراب نیز از همین جا آمده است. ...^{۲۰}

از کنار این نظریه در تفسیر کلمه محراب - آتمم از سوی چنین مورخی - بدون ابراز تعجب نمی توان گذشت، بویژه اینکه وی می داند هیچ کس قائل به چنین مطلبی نشده است که پیشتر با یکی از اصحابش برای تعیین جهت قبله یا مشخص کردن مکان مشخص به امام جماعت در نماز، از نیزه کوچکی استفاده کرده باشد. آنچه درباره استفاده پیشتر از نیزه به ما رسیده، در مورد نماز گزاردن در پیاپان است، تا اینکه این نیزه به عنوان

رو بین آنها ارتباط معنوی ایجاد کرده و کلمه محراب را آن گونه که آمد، تفسیر نموده است. ۲۵

نظر برخی از مستشرقان

ریشه کلمه محراب را از دیدگاه لغت عربی و فرهنگ اسلامی نقل کردیم. اکنون، به ارائه نظر مستشرقان درباره این کلمه - از جهت ریشه لغوی و به لحاظ مدلول اصطلاحی آن - می پردازیم.

در این مورد باید گفت که مستشرقان بویژه متخصصان زبان ساسی، کلمه محراب را به ریشه‌ای حبشی بازمی گردانند. به اعتقاد آنان، این کلمه از طریق یمن، بعد از پذیرفتن صیغه لفظی کنولی و پس از عربی شدنش، به زبان عربی منتقل شد.

از جمله این مستشرقان، گرتلف برجستراسر است. وی در ضمن برکناری کنفرانسهای درباره زبان عربی، از برخی الفاظ دینی مصری یاد کرد که به ریشه حبشی بازمی گردد. وی می گوید: محققان پس از گردآوری این واژه‌ها به این نکته پی بردند که بسیاری از آنها مانند: حواریون، مناقق، فطر، منبر، محراب، مصحف و برهان، به اسور دینی برمی گردد. آنگاه این الفاظ از حبشی به عربی انتقال یافت تا در ریشه تفسیر کرد. کلمه محراب از این گونه است که احتمال دارد ریشه اش «مکرام» یا «مکراب» بوده و به محراب تبدیل شده باشد. ۲۶

مستشرقان دیگری نیز همچون: اهلولیمان آلمانی و هموطنش چاکوب هورویتر، و همچنین کشیش فنری لامنس فرانسوی به چنین نظری معتقدند. به گفته آنان، لفظ عربی کلمه محراب، از سبجیان - هنگامی که زیر نظر حکومت حبشه بودند - به اعراب یمن منتقل شد. و اصل این کلمه در زبان حبشی، «میکراب» (Mikrab) یا «میکوراب» (Mekurab) است که در این زبان به معنای کلیسا یا عبادتگاه و همچنین به معنای حبه (ذره) گشاید که در کلیسا بالای هیكل [مجسمه قدیس] قرار دارد) است. ۲۷

قابل ذکر است، مستشرقانی که واژه محراب را به ریشه حبشی بازگردانده‌اند، این گونه نتیجه گرفته‌اند که مسلمانان طرح محراب در مساجدشان را نیز از محرابهایی که در کلیساها وجود داشت گرفته‌اند، و برای آن همان لفظ مصطلح کلیساییشان را استعمال کرده‌اند. در سطرهای آینده، این نتیجه گیری رد خواهد شد.

نظرات دیگر مستشرقان

برخی دیگر از مستشرقان، هرگونه پیوند مادی یا دینی میان قربانگاههای کلیسا و محراب مساجد را نفی می کنند. خانم نجاة پونس حاج محمد تروننچس، مجسوسه ای از نظرات مستشرقان درباره انگیزه ساخت محراب در میان عربها و مسلمانان را نقل می کند، که آوردن آنها در این مقام، مفید می نماید. وی می گوید:

ستره ۲۱ و مانع میان ایشان و کسانی باشد که از مقابلشان عبور می کنند. این قیام جزوی در این باره می گوید: هرگاه رسول خدا(ص) در مقابل دیوار نماز می خواند، از آن بیش از محراب گوسفندی فاصله نمی گرفت، بلکه همیشه نسبت به نزدیکی به ستره امر می فرمود. و هرگاه به سمت چپ، ستون یا درختی نماز می گزارد، آن را سمت راست یا چپ خود قرار می داد و هرگز به سمت آن نمی شد. و در بیابان و هنگام سفر، نیزه کوچکی بر زمین می زد و به آن اقامه نماز می کرد، و آن را ستره خود قرار می داد. گاهی شترش را می شواباند و روبرو آن نماز می خواند. و نیز جهاز شترش را ۲ قسمت می نمود و در



محراب مسجد جامع تهران

انتهای آن نماز می گزارد. و امر کرد که نمازگزار ستره‌ای قرار دهد، ۲۲ اگر چه با یک تیر یا عصا باشد؛ و اگر آنها نیز در دسترس نبود، خطی روی زمین بکشد ۲۳ ... ۲۴

در پیش، بیان شد که اعراب جاهلی و قرآن کریم، کلمه محراب را استعمال کرده‌اند، ولی هیچ یک به هیچ وجه ارتباطی با کلمه حربه ندارند. گمان بر این است که دکتر حسین مؤنس، میان کلمه محراب و حربه همگونی لفظی دیده، و از این

چهره‌های ایشان جز شر وجود ندارد. ابو عثمان پیش رفت و رود روی آنان ایستاد و گفت: چه می‌خواهید؟ ناگهان، ابراهیم بن عقیل با شمشیر شکمش را درید و او را کشت...^{۲۸} نکته قابل ذکر آنکه، محرابی که ابن هیبره فر آن به قتل رسید، در قصرش بود و نه در مسجد. از کلام ابوحنیفه روشن می‌شود که ابن هیبره این محراب را در مصلائی قصرش ساخته بود، زیرا معمول چنان بود که امیران و بزرگان مکانی ویژه نماز داشتند و برای آن محرابی می‌ساختند. برای مثال، می‌توان از قصر اخضر و برخی از کاخهای سامرا یاد کرد.

محراب در اعتقاد باطنی

همان‌گونه که آمد، کلمه محراب نزد اعراب جاهلی، در اسلام و همچنین پیش اهل کتاب، همیشه به معنای مکان معین

نظر بکنگهام این است که عسوم محرابها ساده و بدون تزئیناتند، و نمازگزاران را به سمت کعبه متوجه می‌کنند، و نیز تفکر نامسکین بودن دیدن خداوند را تبیین می‌نمایند، برخلاف محرابهای پراز مجسمه و بتی که در پرستشگاههای بت پرستان وجود دارد.^{۲۸}

مایلز معتقد است: محراب، محلی است ویژه امیر و خلیفه.^{۲۹}

بریکر می‌گوید: چنین نورفتگی، در دیوارخانه‌های رومیان و قصرهای ساسانی یافت می‌شود. نورفتگیهای موجود در معابد برای قراردادن پیکره‌ها و تصاویر قدیسان است. گودرفتگی موجود در سیستان در ساختنهای دینی اسلامی، شکل بدیع و تازه‌ای به خود گرفته است. مسلمانان محراب را به دلیل سادگی برگزیدند و به هیچ وجه طرح آن را از کلیساها و معبدهای هندوها اقتباس نکردند.^{۳۰}

سرواگت اعتقاد دارد که رابطه بین اشکال ظاهری مشابه، ضرورتاً به این معنا نیست که یکی از آنها از طرح دیگر اقتباس شده است، بلکه بیشتر بر این نکته تأکید دارد که بین آنها رابطه کارکردی مشترکی وجود دارد و هر دو از این کارکرد اقتباس شده‌اند. در ادامه، وی می‌گوید: محراب برای تعیین جهت قبله وضع نشده است، بلکه جایگاهی است برای بزرگ جماعت (امیر یا خلیفه). و گنبدی که بالای محراب بنا می‌شود، بیان‌کننده اعیبت و عظمت آن مکان است.^{۳۱}

سرواگت بر اساس اعتماد بر آنچه در کتاب اخبارالطوال ابوحنیفه دینوری خوانده، این نظر را برگزیده است. در این کتاب آمده است: ابو جعفر منصور دوانیقی هنگام امارت خویش، قصد دستگیری ابن هیبره، والی امویان بر عراق، را کرد. لذا، یکی از فرمانده‌های خود را برای انجام دادن این مهم، گسیل داشت.

این شخص می‌گوید: برای دیدار ابن هیبره، بر درگاه قصر امارت اجازه گرفتم.

دریان وی گفت: ابن هیبره در مصلائی خود نشسته است و از آنجا بر نمی‌خیزد.

گفتم: او را آگاه کن که برای امر مهمی آمده‌ام.

سپس اجازه داد و من وارد شدم. او را دیدم که در محرابش نشسته بود و جامه‌ای از دیبای نقشدار بر تن داشت. با احترام بر او سلام کردم و او پاسخ داد.

ابوحنیفه دینوری در ادامه روایت و بحث از ماجرای گشته شدن ابن هیبره، می‌گوید: در روز دوم، منصور، خازم بن خزیمه و ابراهیم بن عقیل را فراخواند و به آنان گفت: با ۱۰ نگهبان، به قصر ابن هیبره بروید و او را بکشید. آنان نیز حرکت کردند و هنگام طلوع خورشید به قصر وی رسیدند. ابن هیبره در حالی که پشت به محراب تکیه داشت و رویش به سمت سرحوطه قصر بود، با آنان روبرو شد. وی رفتی چشمتن به آنان افشاد، به حاجبش گفت: ای ابو عثمان! به خدا قسم که در



محراب مسجد جریر بن ابراهیم - موشل - عراق

مادی یا معنوی است که در پیشاپیش اشیا قرار می‌گیرد. اما فراموش کلمه محراب را از مدلول مکانی آن، به معنای انسانی که دارای صفت قداست روحی و دینی است برگرداندند. به اعتقاد آنان، صاحب این صفت، امامی است که بر او نص صریح وجود دارد و از خاندان پیغمبر است. از این رو، آنان علاوه بر نامهای دیگر امام، اسم محراب را بر وی اطلاق می‌کنند.^{۳۳}

خلاصه

در تکمیل بحث ، خلاصه معانی کلمه محراب که چته های گوناگون لسانی ، دینی و اصطلاحی را در بر دارند ، در پی می آید :

۱. صدر خانه یا بهترین مکان آن
۲. اتاق بلندی که با نردبام به آنجا می روند .
۳. جایگاه مخصوص پادشاه ، در قصر یا هر مکانی که فقط از آن ملک است .
۴. قصر یا کاخ پادشاه
۵. گردن چهارپا
۶. بیشه یا لانه شیر
۷. محل نشستن یک قوم هنگامی که برای گفتگو در مسالشان در آن جمع می شوند .
۸. دوری و پرهیز
۹. نیم گنبدی در کلیسا برای فرار دادن مجسمه های مقدس
۱۰. شجاع و جنگجو
۱۱. کنیسه یهودیان
۱۲. مکانی که در آن نماز خوانند .
۱۳. مکانی که امام در آن نماز می خواند ، و چون از خطا و اشتباه در امان نیست ، بدین جهت همچون کسی که در بیشه شیری وارد شده ترسان است .
۱۴. قبله مسجد یا امامی که در محراب نماز می گزارد .
۱۵. مکان مخصوص امام جماعت در مسجد
۱۶. شریفترین نقطه مجلس در بتاعای مسول و همچنین مساجد
۱۷. امام در فرقه فراطه و بهائیان

و قبله ، جایی است که به سمت آن نماز می گزارند . و در حدیثی از ابن عمر بن خطاب است که آنچه میان مشرق و مغرب باشد ، قبله است . البته ، منظورش مسافری است که در مورد قبله تردید دارد .^{۲۹}

معنای قبله از نظر معجم نویسان عرب
معنای قبله هرچه باشد ، به لحاظ مدلول مسجدی آن جزو اصطلاحات دینی به شمار می آید که اسلام آن را ایجاد کرده است . قبله از این حیث ، عبارت است از : جهتی که کعبه معظمه در آن قرار دارد ، و مسلمانان هنگام نماز ملزم به آن سمت هستند و انحراف از این جهت موجب بطلان نماز است . از این رو ، مسلمانان هنگام ساختن مسجد در تعیین جهت قبله ، دقت بسیار دارند .

صهرودی می گوید : این زبانه از محمد بن عمار واو از جدش روایت کرد : وقتی عمر بن عبدالعزیز به دیوار قبله (مسجد النبی در مدینه منوره) ، رسید ، تسبیحی از بزرگان اهل مدینه از قریش ، انصار و حرب را دعوت کرد و به آنان گفت : هر بنای قبله مسلمانان حاضر باشد تا بعد نگوید که عمر قبله ما را تغییر داد . آنگاه شروع به ساختن کرد در حالی که هیچ سنگی را بر نمی داشت ، مگر آنکه سنگی جای آن قرار می داد ...^{۳۰}

مقریزی در مخطوط می گوید : کسی^{۳۱} دید بن ای حسیب گویند : از بزرگانی که در مسجد فتح (جامع صموئیل عاصی) حاضر بودند ، شنیدیم : بر ساختن قبله مسجد جامع ، ۸۰ نفر از اصحاب (رسول خدا ص) نظارت داشتند که زبیر بن عوام ، حفصه ، عباده بن حسان ، ابو دراهه ، فاضله بن عبید و عقبه بن عامر از آن جمله بودند . در روایت دیگری است که این مسجد را ۴ صحابه به نامهای : ابوفز ، ابویسیر ، محمته بن جزء الزبیدی و نیه بن صواب بنا کردند .^{۳۲}

مفهوم قبله در اسلام

به طور حتم ، اسلام یگانه دینی است که بر پیروان خود واجب نمود تا در هر نقطه ای از زمین که هستند ، به سوی مکان مسینی - که همانا کعبه معظمه در مکه مکرمه است - رو کنند . در ادیان یهودی و مسیحی ، هیچ گونه تعلیمی در مورد الزام رو کردن به مکان مسینی به گاه عبادت ، وجود ندارد . اگر بعضی از فرقه ها هنگام عبادت به سمت نقطه ای می ایستند ، این عمل را به اعتبار اینکه از شعائر اساس دینشان است ، انجام نمی دهند . اما گروهی از مستشرقان این نظریه را بعید ندانسته اند که : اسلام ، ایستادن به سمت کعبه معظمه را به تقلید از توحیه یهودیان به طرف صندوقی که در آن کتب دینی وجود دارد ، و مسیحیان که کلیساها را به طرف شرق می سازند ، یا متأثر از برخی بت پرستان که در عبادتشان جهت خود را به سوی خورشید - هنگام غروب و طلوع - نگاه می دارند ، بر مسلمانان واجب کرده است .

اصطلاح امروزین محراب

تفسیر و تأویل کلمه محراب هرچه باشد ، معنای امروزین آن که در کتابهای تاریخنگاران و افغان مسلمانان نقش بسته ، عبارت است از : فضای فرو رفته ای در دیوار مسجد ، برای نشان دادن جهت قبله که در اتمام نماز جماعت ، ویژه امام است .

قبله در لغت به معنای سمت و جهت است ، و در مسجد به محراب یا دیواری گفته می شود که به سوی مکه مکرمه است .

این منظور در لسان العرب می گوید : «القبلة ناحية الصلاة (قبله سمت نماز گزاردن است) .

لحمانی می گوید : قبله ، جهت مسجد است ، «ولیس لفلان

قبلة ای جهة» (فلانی قبله ندارد) یعنی هدف و جهت ندارد . و

وقتی گفته می شود : «این قبلیتک» یعنی جهت تو کجا است ؟

و «من این قبلیتک» یعنی جهت [مقصود] تو از کدام طرف است ؟

ظاهرأ، این مستشرقان درصددند به این نکته اشاره کنند که دین اسلام همه مظاهر تمدنی خود را، از دینداران پیش از خود بویژه یهودیان و مسیحیان گرفته است. در واقع، غرض آنان کم جلوه دادن اهمیت نوآوری‌هایی است که دین اسلام را از بقایه ادیان آسمانی و غیر آسمانی ممتاز می‌کند. اما به طور قطع، ایستادن به سمت قبله در نماز، نوآوری کاملاً اسلامی است. به همین جهت، مسلمانان خود را اهل قبله معرفی می‌کنند، و این اسم برای مسلمانان از زمان ظهور اسلام تاکنون عَلَم شده است.

اما رو به قبله ایستادن به دلیل اعتقاد به فداست حجرالاسود - که در کعبه معظمه است - نیست، زیرا چنین اعتقادی در گذشته و حال وجود نداشته است. معقول نیست اسلامی که هرگونه بت پرستی را از بین برد، خود به عبادت سنگها فرمان دهد. در غیر این صورت، این تناقض آشکار است که با منطبق پرستش خدا و وحدانیتش - که پایه این دین است - سازگاری ندارد. بر کسی نیز پوشیده نیست که عصرین خطاب وقتی حجرالاسود را برسد، گفت: به یقین می‌دانم که تو سنگی بیش نیستی که نفع و ضروری نداری. و اگر رسول خدا(ص) را در حال بوسیدن تلبیه پردم، هرگز بر تو بوسه نمی‌زدم.

به اعتقاد ما، قبله در اسلام در واقع نقطه ارتباط مسجد الحرام - از محل حجرالاسود - با تمامی مساجدی است که در واقع، خانه های خدا در هر گوشه جهانند. بنابراین، به سمت قبله ایستادن هنگام نماز، به معنای از بین بردن مسائنها، جداییها و دوریها میان مسلمانان است. ما نیز با کسانی که معتقدند قبله رمزی برای وحدت جامعه اسلامی و یکی از امور مهم اسلام است، هم عقیده ایم، زیرا خداوند در همه جا موجود است:

قوله المشرق والمغرب، فاینما تولوا فثم وجه الله^{۳۹}. پس قبله، تعیین کننده مکان خداوند نیست و نسبتی با خداوند ندارد، بلکه نمونه ای عملی برای وحدت جامعه اسلامی و اتحاد قلبیهای مؤمنان است. بنابراین، از آنجا که اسلام در اصول و فروعش بر عقیده توحید و وحدت مسلمانان پارچها می‌باشد، لذا ایستادن به سمت کعبه به معنای روی کردن همه مسلمانان، به سوی دین خداوند یگانه است.^{۴۰}

قبله موقت و دائم

از زمانی که پیغمبر مأمور به نماز شد، رو به بیت المقدس نماز می‌گزارد، یعنی جایی که ابراهیم(ع) قربانیهای خود را برای تقرب به خداوند بر صخره ای قربانی می‌کرد. اما پیغمبر از این امر خشنود نبود و دائماً از خداوند می‌خواست که قبله او را از بیت المقدس به کعبه معظمه در مسجد الحرام برگرداند. ایشان حدود یک سال و نیم نمازشان را به سمت بیت المقدس ادامه دادند تا اینکه خداوند دعای پیغمبرش را اجابت کرد و وحی نرد که از بیت المقدس روی گردانند، و به سوی مکه معظمه نماز بخوانند. به همین دلیل، صخره ای که در بیت

المقدس وجود دارد به قبله اول مشهور شد، و قبله دوم همان حجرالاسود است که در مکه مکرمه قرار دارد.^{۴۱} اما چرا قبله پیغمبر در ابتدا به سوی بیت المقدس بود؟ جوابش آن است که پیغمبر اسلام(ص) پیش از نزول وحی، در امور عبادی بر طبق افعال اهل کتاب عمل می‌کرد. سپس هرگاه در آن امر وحی نازل می‌شد، فعل قبلی را متوقف می‌نمود و طبق وحی عمل می‌کرد.

زمان ساخت محراب در مسجد

همه کسانی که درباره اولین مسجد اسلام - که به دست پیغمبر در مدینه ساخته شد - مطالبی نوشته اند، هیچ گونه ذکری



محراب مسجد حرام - مسجد شریف مکه - یمن

از فراز داشتن مکانی خاص برای ایستادن امام جماعت به هنگام نماز، به میان نیآورده اند. این مسجد عبارت بود از قطعه زمین وسیعی که به وسیله دیواری آجری احاطه شده، و سقفی از شاخه های نخل بر ساقه های آن درخت قرار داده شده بود. منبر نیز تا سال ۷۰ هـ. ق. در این مسجد نبود. در این سال و بنا بر مشورت صحابه، برای آنکه پیغمبر در حال خطبه خواندن بر روی آن راحت باشند و نمازگزاران نیز قادر به دیدن ایشان باشند، منبری ساخته شد. تاریخنگاران و پژوهشگرانی که آثار اسلامی را بررسی می‌کنند، همگی بر اینکه در صدر اسلام مساجد ساخته شده توسط مسلمانان به لحاظ ظاهری، مطابق اصول مسجدالنبی(ص) بوده اند، اتفاق نظر دارند. اما غیبی (د. ۱۶۸ هـ. ق.) در مفصلیات می‌گوید: وقتش به متمم بن نویره بربرخی خبیو قتل برادش، مالک بن نویره، رسید، در نماز صبح و در مسجد پیامبر(ص) پشت سر ابوبکر حاضر شد. وقت ابوبکر از شاز فارغ شد و در همان حال که در محراب بود روی گرداند، متمم برخواست و در مقابلش ایستاد و در حالی که به

تقسیم برآمده قوس محراب تکیه داده بود، این محراب را سرود...^{۲۲}

برخی از این روایت این گونه نتیجه گرفته اند که در عهد ابوبکر (۱۱-۱۳ هـ. ق/ ۶۳۲-۶۳۴ م) در مسجد النبی محراب وجود داشته است. اما ما بر این اعتقاد نیستیم، زیرا در اینجا مقصود از محراب مکانی است که ابوبکر هنگام امامت نماز در آن، روزه قیله می‌ایستاد.

سازتن برپیکر، در بخشی از نظور ساختمانهای دینی در اسلام، درباره ساختمان ساجد می‌گوید: ظاهراً وجود منبر در مساجد جدید برده است، و پس از مدتی کمی مقصوره اضافه شد تا اسام را از دیگر نمازگزاران جدا کند. آنگاه ساخته و مناره‌ها در اواخر قرن ۷ پدید آمدند. محراب نیز که برای مشخص کردن جهت مکه به کار می‌آید، مدت کمی پس از آن در مساجد وارد شده است.^{۲۳}

این بدان معناست که مسلمانان نه در ایام پیامبر (ص) و نه در ایام خلفای راشدین، از محراب در مساجدشان استفاده نمی‌کردند. و اگر در این زمان از کلمه محراب یاد شود، تنها به معنای مکانی است که امام جماعت در آن می‌ایستاد.

اولین محراب در اسلام

سخنان درباره اولین مساجد که در اسلام برای مساجد ساخته شده و همچنین زمان ساخت آن، بشدت گوناگون است. این بطوطه در سفرنامه خود به هنگام سخن از زیارت مسجد النبی (ص) در مدینه منوره می‌گوید: وقتی عثمان بن عفان خلیفه مسلمانان شد، برای این مسجد محرابی ساخت.^{۲۴} اما خود این بطوطه در اینکه عثمان اولین کسی است که در مساجد محراب احداث کرد، پافشاری ندارد. به همین خاطر، وی در ادامه می‌گوید: گفته می‌شود: اولین کسی که این محراب را ساخت، سروان بن حکم است. و نیز گفته شده که عمر بن عبدالعزیز در زمان خلافت ولید بن عبدالملک آن را ساخت. آنگاه این بطوطه در جای دیگری از سفرنامه‌اش درباره مسجد جامع بنی امیه در دمشق می‌گوید: در جانب چپ مقصوره - که مصحف عثمان بن عفان در آن قرار دارد - محراب صحابه است. تاریخنگاران می‌گویند که این اولین محرابی است که در اسلام احداث شد، و امام مالکیان نیز در آن امامت می‌کرد.^{۲۵}

اما، اکثر مورخان بر این اعتقادند که عمر بن عبدالعزیز - به عنوان حاکم مدینه در دوران حکومت ولید بن عبدالملک اموی -، اولین کسی است که محراب را وارد مسجد کرد. مشرزی در تخطیب از کتاب فتوح الشام والقی نقل می‌کند: وقتی عمر بن عبدالعزیز مسجد النبی را ساخت، نخستین فردی بود که محراب گو درفته را بنا نمود.^{۲۶}

در کتاب التجوم الزاهرة من ملوک المعصر و القاهرة، ابن تغری بردی به هنگام بیان وقایع سال ۸۷ هـ. ق می‌گوید: ... و در آن، دستوشته های ولید به عمر بن عبدالعزیز وجود دارد که به او دستور می‌دهد تا خانه های زنان پیغمبر را صحنه مسجد کند، اطراف مسجد را بپرد تا مسجد ۲۰۰ در ۲۰۰ ذراع شود، و قیله را در مسجد مقدم بدارد. و عمر نیز چنین کرد.^{۲۷}

منظور از مقدم داشتن قیله، مشخص نر و بازتر ساختن بنای دیوار قیله نسبت به سطح سایر دیوارهاست.

سکتواری در کتاب محافرة الاوائل از کتاب حسن المحافرة فی اخبار المعصر والقاهرة سیوطی نقل می‌کند: عمر بن عبدالعزیز، حاکم ولید در مدینه، نخستین فردی است که محراب مفر را در اسلام احداث کرد.^{۲۸} همچنین، مسعودی از حبیب بن عبدالمهیمن بن عباس و او از پدرش نقل می‌کند که وقتی عثمان بن عفان مرد، در مسجد النبی کنگره و محرابی نرسد، اول فردی که محراب و کنگره را بنا نهاد، عمر بن عبدالعزیز بود.^{۲۹}

ساخت محراب پیش از عمر بن عبدالعزیز

آنچه در اخبار تاریخنگاران درباره اولویت عمر بن عبدالعزیز در ساخت محراب مسجد سرور توجه است، تأکید همگی آنان بر این نکته می‌باشد که این محراب مفر و گو درفته بوده است. آیا این بدان معناست که محراب مذکور پیش از آن وجود داشته و نقش عمر بن عبدالعزیز فقط در مفر کردن آن مشخص می‌شود؟

مسعودی در کتاب وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی (ص) می‌گوید: وقتی عمر بن عبدالعزیز به دیوار قیله رسید، بزرگانی از اهل مدینه از سریش، انصار، عرب و موالی را فراخواند. آنگاه به آنان گفت: بیاید در ساخت قیله شویش حاضر شوید تا نگویید که عمر قیله ما را تئیس داد. سپس، هیچ سنگی را بر نرس داشت، مگر آنکه سنگ دیگری را به جای آن قرار می‌داد...^{۳۰}

کلام مسعودی بسیار واضح است و هیچ گونه اشکال و غموضی در آن نیست. وی یادآوری می‌کند که عمر بن عبدالعزیز هیچ گونه محرابی را بدون آنکه پیش از این در مسجد وجود داشته باشد احداث نکرد، بلکه او محراب مسجد را در همان جایی که پیش از آن برد بازسازی نمود، و فقط بهترین کارش به مفر کردن محرابی که از قبل وجود داشته است محدود می‌شود. این مطلب باعث ترجیح نظر کسانی می‌شود که قائلند، خلیفه راشدین، عثمان بن عفان، اول پائی محراب مسجد می‌باشد، و این محراب برای تعیین جهت قیله و مشخص کردن مکان ایستادن امام در نماز جماعت بوده است.^{۳۱}

محراب جامع مدینه در قیرون

بنابر نظر نویسنده مصری، دکتر احمد فکری، نخستین

را نمایان سازد، در پشت خود فاصله ای را می‌طلبد. همین فکر ساده، منجر به پیدایی اسانه ساختگی محراب عقبه شد. ۵۴

محراب عمر در مسجد الاقصی

در مقاله ای در مجله القدس - از نشریات سازمان آزادیبخش فلسطین در بیروت - از محرابهای مسجد الاقصی نیز سخن گفته‌ایم. اکنون که بحث دربارهٔ عموم محرابهاست، این مناسبت را غنیمت می‌شمروم و دربارهٔ محراب عمر در مسجد الاقصی سخن می‌گویم. آنچه در پی می‌آید، متن مقاله در آن مجله است:

نظرهای تاریخنگاران دربارهٔ نخستین محراب متفاوت است. محمدبن عبدالله زرکشی (د. ۷۹۴هـ. ق/ ۱۲۹۱م) در اعلام المساجد با حکام المساجد ۵۴ می‌گوید: بزاز در سندش از طریق عبدالله بن سالم از زبیدی روایت کرد: ولید بن عبدالرحمن از جبیر بن نفیر و او از شداد بن اوس این چنین روایت کرد که گفتیم: ای رسول الله (ص)! اسرای شما سیر یک شبه پیشمیر از مسجد الحرام به مسجد الاقصی چگونه بود؟ نگاه حدیث پیغمبر و سوزا شدن ایشان بر ابراق را ببین می‌دارد. تا اینکه حضرت می‌فرساید: ابراق به راه افتاد و من از زمین جدا شدم و بالا رفتم. سپس [جبیر] گفت: پیاده شو و نماز بگزار. من نیز پیاده شدم و نماز خواندم. دوباره من سوار شدم.

گفت: آیا می‌دانی کجا نماز گزارده‌ای؟
گفتم: خدا عالمتر است.

گفت: در بیت لحم، جایی که عیسی بن سریم به دنیا آمد. سپس مراد با تا در دروازهٔ هشتم شهر وارد شدم، مرکبش را نزد قبلة مسجد پست، و از دری که بر او تصویر ماه و خورشید بود وارد مسجد شدم. و من در مسجد نماز گزاردم....
معلوم نیست واژهٔ «قبلة» در این حدیث به معنای محراب یا اصطلاح مسجدی آن است، یا به معنای جهت قبلة و سمت کعبه.

ابوالحسن علی بن ابی یکر هروی (د. ۶۱۱هـ. ق/ ۱۲۱۴م) در کتاب الاشارات الی معرفة الزیارات ذکر می‌کند: عمر بن خطاب به هنگام آمدن به بیت المقدس (۱۵هـ. ق/ ۶۳۶م)، محراب مسجد الاقصی را پایه گلزاری کرد. گویا استاد هروی در مورد محراب عمر، به روایتی است که می‌گوید: عمر بعد از سفر به بیت المقدس، شب هنگام وارد مسجد الاقصی شد و در مسجد نماز گزارد. هنگام فجر، عمر به مؤذن دستور داد تا آقامه ساز را بگوید و خود پیش ایستاد و همراه مردم نماز را به پا کرد. سپس، وی گفت: کعبه - او ابتدا بهودی بود و سپس به اسلام گروید - را نزدیک من آورید.

وقتی کعب آمد، عصر به او گفت: ای ابواسحاق! آیا جای «صخره» را می‌دانی؟
کعب گفت: از دیواری که پس از فدایی جهنم ۱۵۵ است



محراب مسجد قریون. - انکار. - ترکیه

محرابی که در اسلام ایجاد شد، محراب مسجد جامع سیدی عقبه بن نافع در شهر قیروان تونس است. این نویسنده می‌گوید: نظر همهٔ تاریخنگاران بر این است که در سال ۵۰ هـ. ق عقبه بن نافع طرح مسجد قیروان را رسم کرده محل قبله را در آن مشخص نمود و محراب و منبر ساخت. و نیز برآورد این محراب سالهای متعددی مورد احترام و تقدیس مردم بود و هیچ کس با نیت سوء به آن دست نزد، تا آنجا که وقتی زیاده الله بن اغلب خواست آن را خراب کند و پرایین امر پانشاری نمود، هیچ کس به او پاسخ مثبتی نداد و از این کار بازداشتند؛ فقط به این دلیل که آن را عقبه بن نافع و پیروانش احداث کرده‌اند. ۵۴

نگاه نویسنده با قطع و یقین کلام خود را به بدینجا ختم می‌کند: تعقیباً، محراب مسجد قیروان قلبیترین محراب گردفته در مساجد است. سپس برای اثبات نظریهٔ خود، این مؤید را می‌آورد که: سازندگان این مسجد، نمی‌توانسته‌اند محراب را به شکل دیگری بسازند، زیرا طاقنماهای مسجد همگی نیم دایره‌اند و شکل محراب، در صورت توسل و نبودن، با نظام کلی شبستان انسجام نداشت. اما رأی این نویسنده قابل مناقشه و رد است، زیرا موافق منابع تاریخی قدیم نیست.

پروفیسور ماریه، مستشرق فرانسوی، نسبت به رد این نظریه بیباکانه احمد ثوری، از ما پیشی گرفته است. وی می‌گوید: آنچه باعث گوندرتگی در دیوار قبلة مسجد جامع سیدی عقبه شد، تزئینات هندسی به هنگام ساخت این مسجد است، زیرا قطعات پهن کنده‌کاری شده سنگ مرمر برای آنکه نقشهای خود

با شمشیر به شهادت رساند، و مردم در آنجا گریه کتان دعا می خوانند و نماز می گزارند. ۵۷

۴. محراب مسجد دمشق، که می گویند به زمان معاویه بن ابی سفیان باز می گردد. ابن جبیر در سفرنامه خود می گوید: سمت راست قبله، دری آغزی است که معاویه از آن در وارد می شد و به سوی مسجد می رفت. ۵۸ این محراب نیز «محراب صحابه» نامیده شده است، زیرا گفته می شود که صحابه پس از ورود به دمشق در روز فتح آن توسط خالد بن ولید و ابو عبیده عامر بن جراح، در آن محراب نماز به پا کرده اند.

۵. محراب مسجد جامع عقبه بن نافع در قیروان، که - همان طور که گذشت - نظرها درباره این محراب مختلف است. البته، اعتقاد سنی مردم آن است که همان محراب تا امروز برپا می باشد، زیرا حاکمانی تصمیم به انهدام یا ترمیم و تجدید بنای مسجد می گرفتند، به دلیل منزلت این محراب نزد مردم - که از استیساخ به عقبه بن نافع ناشی می شد. - از آن مراقبت می کردند. ۵۹

۶. محراب عمرو بن عاص در مسجد جامع فسطاط، که ظن غالب بر این است که منظور از این محراب، همان مکانی است که عمرو هنگام نماز در آن، رو به مکه مکرمه می ایستاد. گفته مقریزی در خطبه این مطلب را مورد تأکید قرار می دهد. وی می گوید: قره بن شریک، فرماندار مصر (د. ۹۶هـ. ق.)، هنگامی که مسجد را خراب کرد و بار دیگر تجدید بنا نمود، در آن، محراب رفته ای در همان سمت محراب مسجد قدیمی که عمرو بنا کرده بود، ساخت. قبله مسجد قدیم، نزدیک ستونهای طلاکاری شده قرار داشت. این ستونها ۲ عدد بودند که ۲ به ۲ مقابل یکدیگر قرار داشتند که قره بن شریک مرستونهای آنها را طلاکاری نمود و جلسات قیس نیز در آنجا برگزار می شد. در مسجد غیر از اینها، ستون طلاکاری شده دیگری وجود نداشت، و در اندیم محل تجمع اهل مدینه بود. ۶۰

عمرو بن عاص تنها کسی نیست که در مسجد محرابی قرار داد، بلکه مقریزی می گوید: در نخستین روزهای فتح مصر، محرابهای دیگری توسط صحابه ای که در این پیروزیها شرکت داشتند، ایجاد شد. محراب مسجد جامع شهرهای جیزیه، بلبسی، اسکندریه، قوص و اسوان، از جمله این محرابهاست، که همگی به نام «محراب الصحابه» خوانده می شوند. ۶۱ و مکانهایی اند که اصحاب حاضر در لشکر عمرو بن عاص در آنجا نماز گزارده اند. و این مانند مطلبی است که در ضمن سخن از محراب صحابه در مسجد جامع دمشق بیان شد.

محرابهای قابل انتقال

همان طوری که می دانید، منبر مساجد سرزمینهای شمال آفریقا اغلب از چوب است و در جای خود ثابت نیست و با چرخهایی که دارد جا بجا می شود و در اثنای اقامه نماز جماعت در روزهای جمعه و اعیاد در سمت راست محراب قرار

فلان ذراع اندازه بگیر، تا آن را بیایی.

در آن زمان آنجا زیاده دانی بود. آنها آن مکان را کشفند و صخره آشکار شد.

عمر به کعب گفت: به عقیده تو قبله (محراب) را در کجا قرار دهیم؟

کعب گفت: آن را پشت صخره قرار دهید تا ۲ قبله یکی شود؛ قبله موسی و قبله محمدی (ص).

عمر گفت: روش پهلویت خشک شود. ما قبله را در صدر قرار می دهیم، همان گونه که رسول الله (ص) قبله را در صدر مساجد قرار داد. ما به صخره مأمور نیستیم، بلکه امر به کعبه شده ایم.

آنکه در صدر آن عبادتگاه، محراب و طرح کرد.

اگر این روایات بویژه روایت هروی را بپذیریم، این بدان معنا خواهد بود که محراب مسجد الاقصی، نخستین محراب در اسلام باشد. اما به لحاظ تاریخی - علمی نمی توان به این روایات اطمینان کرد، زیرا مسجد الاقصی در روزگار عمر بن خطاب هنوز بنا نشده بود، بل در زمان ولید بن عبدالملک بن مروان (۷۲هـ. ق/ ۶۹۳م) ساخته شد. الحافه بر آن، آنچه درباره مسجد عمر در بیت المقدس گفته می شد، شک انسان را در انتساب آن محراب به عمر تقویت می کند، زیرا هیچ گونه گزارشی درباره آنکه خلیفه راشد در هنگام حضورش در این شهر مسجدی ساخته باشد نرسیده است، بلکه وی مکانی را نزدیک کنیسه «قیامت» که در آن زمان نامش کنیسه «انعام» بود برگزید تا نماز به پا کند. بعد در این محل مسجدی بنا کردند و آن را مسجد عمر نام نهادند، که زمان ساخت آن پس از فتح بود. ۵۸

خلاصه نظرها درباره اولین محرابها

خلاصه مطالب کتابهای تاریخی درباره محراب مساجد قرن اول هجری، آغاز دوره نخستین پیروزیهای مسلمانان در خارج جزیره العرب، به قرار ذیل است:

۱. محراب عمر بن خطاب در مسجد الاقصی، که وجود آن در حال حاضر مورد تردید است.

۲. محراب مسجد جامع کوفه، که گفته می شود به روزگار عثمان بن عفان باز می گردد.

۳. محراب علی بن ابی طالب (ع) در مسجد جامع کوفه، که ابن جبیر در سفرنامه خود در یاد کرد آن می گوید: در سمت راست قبله، محرابی است که با ستونهایی از ساج احاطه شده، و از سطح سنگگرفش (رواق) بلندتر است، گویس خود مسجد کوچکی است. و آن، محراب علی بن ابی طالب (ع) می باشد. در همین موضع، شقی ملمون، عبدالرحمن بن ملجم، ایشان را



محراب مسجد امام شاهرور (قزوین) - قاصدپورک، حیات

می گیرد، و پس از پایان یافتن خطبه خطیب، آن را به جای که پیش از این بود باز می گردانند.

برخی از محرابها نیز با همین هدف از چوب طراحی می شوند، به گونه ای که هرگاه نیاز افضا کرد انتقالش از جایی به جای دیگر در مسجد ممکن باشد. دکتر محمد بهی در جایی که سبک عبیدیان^{۶۶} در ساختن مساجد قاهره و بیسان می دارد، می گوید: این مساجد به سبب محرابهای چوبی قابل انتقال، از دیگر مساجد متمایز می شوند.^{۶۷}

نویسنده مذکور شکل ظاهری محراب چوبی قابل انتقالی را که آسر باحکام الله عبیدی برای جامع الازهر ساخت، بازگو می کند. این محراب که تاریخ آن به ۵۱۹ هـ. ق/ ۱۱۲۵ م باز می گردد، هم اکنون به موزه هنر اسلامی قاهره سپرده شده است. خلیفه آسرباحکام الله دستمشر به ساخت و تزئین این محراب داد. در ۲ طرف این محراب، ۲ ستون باریک قرار دارد، که قسمت پیشتر آن از چوب ترکی است و گود رفتگی آن بر اثر کنده کاری است، و اضافات آن از چوب جمبیر (نوعی تنبلی) و حیراشی آن از چوب عناب است. در بالای آن کرسی است که بر آن به خط کوفی نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (حافظرا علی الصلوات و الصلاة الوسطی و قوسوالله

قانتین * ان الصلوة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً. امر به ساخت این محراب مبارک کرد برای جامع الازهر شریف قاهره عزیز، مرلانا و سیفتا منصور، ابوعلی، امام آسرباحکام الله، امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه و علی آباه الطاهرین و ابنائه الاکرمین - ابن امام مستعلی بالله، امیرالمؤمنین، ابن امام مستصر بالله، امیرالمؤمنین - صلوات الله علیهم اجمعین و علی آباهم الائمة الطاهرین بنی الهداة الراشدین وسلم تسلیماً الی یوم الدین - در ماههای سال ۵۱۹ هـ. ق/ الحمدلله وحده.^{۶۸}

درموزه هنر اسلامی تهره تعدادی از محرابهای چوبی - علاوه بر محراب الازهر - وجود دارد. از جمله آنها محراب سیده نفیسه (حدود ۵۳۵ هـ. ق/ ۱۱۲۴ م) است.

همچنین محراب سیده رقیه^{۶۹} از لحاظ هنری - به دلیل ساخت محکم و زیبایی تزئیناتش - از مهم ترین این گونه محرابها به شمار می آید که با خط کوفی بر آن چنین حک شده است: امر به بنای آن نمود ناحیه جلالت مآب محروسة کبری امریه، که قاضی ابوالحسن مکتون، کمر به خدمتش بسته بود و اکنون امیر سدید، خادم دولت، ابوالحسن یمن قاضی صالحی مأمور به خدمت او است، برای مشهد سیده رقیه دختر امیرالمؤمنین علی.^{۷۰}

تاریخ این محراب به سالهای بین ۵۵۵-۵۳۳ هـ. ق/ ۱۱۳۹-۱۱۶۰ م باز می گردد.^{۷۱}

دکتر صالح لسمی مصطفی مهندس باستان شناس و متخصص مساجد دینی - اسلامی می گوید: قلمبرترین محراب چوبی، در جامع قیروان تونس وجود دارد.^{۷۲}

محرابهای ثابت

محرابهای ثابتی که با گچ، سنگهای معمولی یا خشت ساخته شده اند، از همان دوره های اولیه اسلام شناخته شده بودند. پیش از این، به هنگام بحث درباره محراب قیروان، مسجد نبوی، فسطاط و مسجد الاقصی، به این نوع محرابها اشاره شد. اکنون اضافه می شود که اداره کل آثار باستانی بغداد اخیراً به چند محراب ثابت دست یافته است که تاریخ برخی از آنها به عهد اموی و عباسی بازمی گردد.

خانم نجدة یونس حاج محمد توترنچی در کتاب خود *العجاریب العراقیة* می گوید: اداره کل آثار باستانی بغداد به سال ۱۳۷۷ هـ. ق/ ۱۹۵۸ م هنگام حفاری دو شهر باستانی اسکاف بنی جنید معروف به سماکه واقع در نهر روان، قصری را کشف کرد که به زمان امویان بازمی گردد و به خالد بن عبدالله القسری، کارگزار هشام بن عبدالملک اموی در کوفه (۱۰۵-۱۲۰ هـ. ق/ ۷۲۲-۷۳۹ م) منسوب است. در سمت غربی خرابه ها، مسجدی یافت شد که برخی قسمتهای آن در دوره های مختلف تجدید بنا شده بود، و آخرین آنها به قرن

البته، قابل ذکر است که مقریزی همچون دیگر تاریخنگاران مسلمان، مسیعی را به نام محراب یا برعکس می خواناند، همان طور که در زمان پیغمبر (ص) چنین بوده است.^{۶۱}

مشهور این است که در آن عصر، این بناها نمازخانه های بودند که مردم به طور عادی و گذرا در آنها نماز می خواندند. گویا اینکه برخی اقرباده دلیل اعتقادشان نسبت به برکت آن مکان - به خاطر وجود ضریح کسایی که در آن هستند - در اقامه نماز در آنجا نهاده داشتند. بنابراین، وجود محراب در این محلها، امری طبیعی جلوه می کند.

و نیز، چه با وجود این محرابها، نشانگر امید سازندگان آنها نسبت به تقرب به خداوند مدفون در این اماکن است. همچنین ممکن است این تنها یک عمل فردی باشد که شخص قصد داشت محراب را به عنوان یک هدیه ارزنده که به زیبایی تأسیسات آن محل می افزاید، بسازد. و شاهد سازنده محراب می خواست به سبب ذکر فاش در نقشهای حک شده در کنار محراب - جایی که معمولاً نام سازنده و تاریخ ساخت بنا را وارد داد - نام خود را ماندگار نماید.

رابطه میان محراب و قربانگاه

همه مستشرقان بر ارتباط میان محراب و قربانگاه کلیسا، اتفاق نظر دارند. دلیل آنان به چنین اعتقادی آن است که مسلمانان از قربانگاههای کلیساهای شام، تأثیر پذیرفته اند، زیرا کشیش در قربانگاه می ایستد و قربانی الهی را - که یکی از آداب دینی کلیساست - انجام می دهد. مسلمانان نیز همین طرح را به عبادتگاههای خود منتقل نمودند، و محرابی ساختند که مختص به امام جماعت باشد و به هنگام نماز پیشاپیش نمازگزاران بایستد. دلیل این توهم مستشرقان، بافشاری شان بر این مطلب است که ولیدبن عبدالملک برای ساخت مسجد مدینه نوره، کارگرانی مسیحی استخدام کرد، و همانان بودند که محراب این مسجد را بنان قربانگاه کلیسا ساختند. مستشرقان برای اثبات این گمان خویش، به روایت سمهرودی استناد کرده اند که می گوید: ولیدبن عبدالملک به پادشاه روم نوشت: ما قصد داریم مسجد پیغمبر بزرگوارمان را تعمیر کنیم، بنابراین، ما را توسط کارگران ماهر و کاشی نژیینی پاری کنید. وی نیز بارهایی از کاشی و بیست و چند کارگر برای او فرستاد. برخی نیز گفته اند: ۱۰ کارگر فرستاد و گفت: ۱۰ نفر را فرستادم که با ۱۰۰ نفر برابری می کنند، و ۸۰ هزار دینار برای کمک به کار.

در روایت دیگری است که پادشاه روم، ۲۰ کارگر از روم، همین تعداد از مسیحیان مصر، ۸۰ هزار مثقال طلا، بارهایی از کاشی نژیینی و بارهایی از زنجیر چراغ، برای ولید فرستاد. این مستشرقان در مورد استخدام کارگران مسیحی در ساخت مسجد، چنین گمان کرده اند که آنان در هر گونه دخل و تصرفی در شکل و علامات مسجد، آزاد بودند. این نهایت

۶۲. ق برمی گشت. در آنجا دیوار بلندی که به خالدبن عبدالله منسوب است، کشف شد. کل ساختمان مسجد نیز به وی نسبت داده شد و هموست که این مسجد و کاخ را به پا داشت. از مقایسه آنچه ای کشف شده در ۳ مکان مختلف فهمیده می شود که آنها کاملاً شبیه یکدیگر بودند و این تأیید می کند که ساخت آنها به یک زمان بازمی گردد. البته احتمال دارد که مسجد کشف شده برپایه های مسجد قدیمیتری بنا شده باشد که تاریخش به زمانی پیش از هشام بن عبدالملک بر گردد. نویسنده مذکور می گوید: اداره کل آثار باستانی، پایه های محراب ساده ای را یافته است که شکل تروفنگی آن مستطیلی است به عرض ۱۹۳ و به عمق ۲۰ سانتیمتر. شاید سادگی این محراب و انحراف ۲۷ درجه ای دیوار قبله به جهت جنوب غربی، ما را بر آن دارد که گویا تاریخ این مسجد بیامع به عهد خلفای راشدین یا ابتدای عهد اموی بازگردد.

همچنین بالای این محراب، محراب دیگری است که تا امروز با برجاست. و آن، قدیمیترین محراب عراق است و به روزگار اسویان برمی گردد. این محراب در زمان عباسیان ترمیم و با لایه ای از گچ پوشانده شد. از آثار باقیمانده چنین برمی آید که مسجد جامع با قطعه های گچی سطح شده ای که بر روی مغالین نرخته شده، به طرز ساده ای سزین شده بود. بر این قطعه ها که بالای محراب بود، کتیبه هایی وجود داشت که بر آنها نوشته شده است: «المسجد العالی». و در سمت چپ محراب، کتیبه ای است که نام داوود بن حسن علوی مضبوط است. این محراب، به حال خود رها شده و اداره کل آثار باستانی هنوز آن را ترمیم نکرده است. ظن غالب بر این است که همان گونه که گفتیم - این محراب قدیمیترین محراب باقیمانده در عراق باشد.^{۶۸}

محراب در دیگر بناهای اسلامی

مسجدها و مساجد جامع تنها مکانهایی نیستند که محراب در آنها وجود دارد، بلکه ساختمانهای اسلامی با طرحی شبه دینی نیز، از دیگر مکانهایی اند که محراب در آنها یافت می شود. منظور از این گونه بناها، شاهد مردان و زنان منسوب به بیت شریف پیغمبر (ص)، ضریحها یا مکان دفن اولیا و زاهدانی که مورد اعتقاد عامه از اکثریت مسلمانانند، زواها، رباطها و خانقاههای مخصوص اهل طریق (صوفیه)، و مؤسسات آموزشی موسوم به مدارسی است. این مطلب، شامل گورستانها و مقابر معمولی، بیوزده گورستان قرآنه در قاهره می شود.^{۶۱}

مقریزی در نخطط، با آوردن نقلی درباره محرابهای قرآنه، می گوید: در قراغه کبرا و جیهانه، تعدادی محراب وجود داشت که همگی خراب شده است

خوشی نسبت به منزلت این کارگران است، که در واقع بیش از کارگران ساده نبودند و هرآنچه صالح بن کيسان از آنان می‌خواست اطاعت می‌کردند. او کسی است که از سوی عمر بن عبدالعزیز - و براساس دستنوشته‌ای که خلیفه اموی، ولید بن عبدالملک، نگاشته بود، مسئول خراب کردن و تجلید بنای مسجد شد.

آنچه، اشرف دقیق و آگاهانه مسلمانان را بر کارگران رومی تأکید می‌نماید، خبری است که مسعودی به نقل از صالح بن کيسان بیان می‌کند. پس از ۱۵ روز، نامه ولید از دمشق برای تخریب مسجد آمد و عمر بن عبدالعزیز، حاکم وقت مدینه، را تنها سرپرست این کار قرار داد.

صالح بن کيسان می‌گوید: عمر از من خواست مسجد را تخریب و سپس بسازم، و من یا کارگران مدینه آن را خراب کردم، و شروع به تخریب خانه‌های زنان پیغمبر کرده بودیم که کارگران ساده‌ای که ولید فرستاده بود، رسیدند.^{۷۲}

از نمونه‌هایی که درباره سراقبت شده‌اند نسبت بر کارگران رومی بازگو شده، روایت مسعودی از این زیاده است که می‌گوید: در مدتی که این کارگران در مسجد مشغول کار بودند، یک بار آنان در مسجد تنها شدند. در این وقت یکی از این کارگران به دیگران گفت: می‌خواهید بر قبر پیغمبر ایستاد توهمین کنیم. او آماده این کار شد، ولی دوستانش وی را بازداشتند. اما او مصمم به این عمل بود که ناگهان از جا کنده شد و با سر به زمین خورد و مغزش به دهانش آمد. برخی او آن مسیحیان، اسلام آوردند.

و نیز یکی از رومیان بالای طاقنما در دربار قبله در محن مسجد، نقش خوک را کار کرد. چون عمر بن عبدالعزیز به این موضوع پی برد، دستور داد تا گردنش را زدند.

شاید در این حکایت، شکل درستی از سراقبت شدیدی که بر این کارگران اعمال می‌شد، به ما رسیده باشد. این مراقبت بدان خاطر بود که آنان از حضورشان در مسجد، برای تازیبا کردن و تخریب دادن نشانه‌های اصلی آن سرافرازانه ننگند.

به نظر می‌رسد آنچه برخی مستشرقان را به این عقیده سوق داده است که مسلمانان هنگام ساخت مساجد از کلیساها تقلید

کردند، برگرفته از این گفته مسعودی است که: ... وقتی عمر بن عبدالعزیز ساخت مسجد را به پایان برد، دنبال ابان بن عثمان بن عفان فرستاد. او را در جامه‌ای پشمی نزد وی آوردند.

عمر بن عبدالعزیز گفت: این پتا کجا و آنچه شما ساخته بودید کجا.

ابان بن عثمان گفت: ما براساس ساختن مساجد ساختیم، ولی شما شبیه کلیساها.

اما این گفتگو بین عمر و ابان به هیچ وجه اشاره به این ندارد که محور بحث، محراب مسجد است، بلکه گفته ابان بدین معناست که مسجد را همچون کلیساها بسپار تزیین کرده‌اید، در حالی که ما همان طور که بایسته مساجد است - آن را بی‌آرایش



محراب مسجد شوح بغداد - ۱۱۰۰ هجری قمری

ساختیم.

در هر حال، مقایسه محراب مسجد و قربانگاه کلیسا فی‌مابین مع الفارق است، زیرا قربانگاه کلیسا عبارت از محوطه بزرگی در صدر کلیساست که به دلیل وجود میزی که بر روی آن وسایل کشیش برای اجرای مراسم کلیسا و نماز قرار داده شده، وسعت یافته است. این محوطه به گره‌های طراحی شده است که به کشیش این امکان را می‌دهد که بدون هیچ گونه سائمی، در آن رفت و آمد کند. اما شکل و ظاهر محراب مسجد آشکارا بر این دلالت می‌کند که وسعتی به اندک آن و کج و سجد امام به هنگام نماز دارد، به طوری که فضای زیادی از اصل مسجد را بدون فایده و بی‌جهت اشغال نمی‌کند. از سوی دیگر، یکی از اهداف

می‌گند: محراب طاهری دایره‌ای شکل دارد و مستطیل بر ستونهای مزین به نقش و نگارهای فلزی متصل به هم و با شکلی گود رفته است تا نایبانیان بتوانند دیوار قبله را ببینند.^{۷۱}

نیازی به بیان دلایلی که خیالیانی این ۲ مستشرق را نشان می‌دهد وجود ندارد؛ زیرا اینان چنین فرض کرده‌اند که کوری میان مسلمانان سرزمینهای شرق اسلامی شایع بوده است و لذا نیسازمند بودند تا از راه لمس تو رفتگی محراب یا دست پا عضا، جهت قبله را بیابند. از آنان سؤال می‌کنیم که اگر محراب مجوف در مساجد شرق اسلامی برای تسهیل در کار نایبانیان این منطقه پایه‌گذاری شده است، پس چرا شبیه چنین محرابهایی در دیگر شهرهای مسلمانان که بیماریهای چشمی وجود نداشت، و در نتیجه کوران بسیار نبودند، ساخته شد؟

اصلی محراب مشخص نمودن سمت و جهت قبله نسبت به زمینی است که مسجد در آن واقع است.

انگیزه وجود محراب در مسجد

مراسل پیشامده در ایجاد محراب مسجد، باور روشنی را در مورد انگیزه وجود محراب به ما می‌بخشد. در نخستین وهله، آشکار می‌شود که این انگیزه چیزی جز مساعدت نمازگزاران برای یافتن جهت قبله نبوده است. از این رو، بعضی محرابها تنها عبارتند از: پیکانی بر روی دیوار قبله که رنگش با بقیه دیوار متفاوت است، و امام جماعت نیز هنگام اقامه نماز در مقابل آن می‌ایستد. و گاهی این پیکان به جای رنگی بر روی دیوار، قطعه سنگی مطح می‌باشد. البته، عمر بن عبدالعزیز با مقعر ساختن محراب مسجدالنبی (ص) در مدینه، آیدگان را به پیروی از خویش فرامی‌خواند و از آن پس، مقعر ساختن محراب تقلیدی همگانی و عادت همیشگی در تمامی مساجد شد.

همان گونه که پیش از این نیز اشاره شد، تورفتگی محراب انگیزه دیگری غیر از مشخص کردن سمت قبله داشت. به عبارتی دیگر، طراحی محراب بدین شکل، در واقع به منظور صرفه جویی در فضای است که امام اشغال می‌کند تا مسوطه زیادی از مسجد بدون فایده از بین نرود. به این ترتیب، به نمازگزاران این امکان داده می‌شود که فضای بیشتری را در پشت سر امام اشغال کنند.

بنابراین، وجود محراب در مسجد، ۲ انگیزه دارد: نخست برای مشخص کردن جهت قبله، و دیگر برای صرفه جویی در فضای مخصوص ایستادن امام، تا فضای استداد یافته در ۲ طرف امام بیهوده از بین نرود.

نظر [عجیب] برخی مستشرقان

علی‌رغم کاوشهای ژرف مستشرقان در بررسی عناصر تشکیل دهنده مسجد، بعضی از آنان لجام اوهام خویش را رها کرده و چنین پنداشته‌اند که محراب تو رفته، به منظور راهنمایی نایبانیان برای یافتن دیوار قبله و جهت آن است. یکی از مستشرقانی که به این نظر تمایل دارد، سارتن بریگز است. وی می‌گوید: ... چه بسا طرح محراب اساساً در این گونه سوزمینها- مشرق عربی بویژه مصر- پدید آمده باشد؛ جایی که بیماری چشم در حد فراوانی شایع بود. احتمالاً، این امر دلیل بنای محراب به شکل تو رفته و فوسلار بود تا نایبانیان هنگام لمس دیوار، امکان دستپاسی به آن را بیابند. این نکته را شپسلی به مناسبتی برای من بازگو کرده است.^{۷۲}

همچنین، سر جنت مستشرق، محراب را این گونه توصیف

یادداشتها:

۱- ابن منظور المرفیض مصری، لسان العرب، دارصادر، بیروت، ۱۳۸۸ هـ. ق. ۱۹۶۸ م. این بیت از آن وصاح الیسن است. وی عبدالرحمن بن اسحاق بن کلال و از آل خولان می‌باشد. وی پس از بعثت به دنیا آمد و به سال ۹۰ هـ. ق. ۷۰۸ م به دست ولید بن عبدالملک، خلیفه اموی، به قتل رسید.

۲- دیوان اسمر اللیس، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، دارالمعارف، مصر، ص ۱۲۰۴. سطر اول بیت این است: «وما ذا علیه ان ذکرت لرتساء». در تحقیق مذکور به جای کلمه «القول»، «اقبال» آورده است که هر دو جمع «قبل» به معنای ملک است. شاعر این بیت، امر اللیس از اصحاب مملکت عشر و بزرگ شماری دوره جاهلی است. مستقدان او را امیرالشعراء جاهلی لقب داده‌اند. وی یکی از سران بنی کندة در جزیره العرب بود.

۳- در لسان العرب و تاج العروس این کلمه به همین شکل آمده است. در بعضی از چاپهای جدید، «سیت» وارد شده، ولی آنچه ما آوردیم درست‌تر است. اهشی، هسان مسبسون بن قیس بن جندل

(د. ۵۷ هـ. ق. ۶۲۹ م) از شاعران جاهلی است. او را به دلیل ضعف یتیمی به لقب اهشی خوانده‌اند، ولی نزد مستقدان به لقب صانجا العرب معروف است.

۴- وی عمر بن ابی ریح، شاعر دوره اسلامی است که او را با غزلباش می‌شناسند. او به سال ۳۳ هـ. ق. ۶۴۴ م در مکه متولد شد و در سال ۹۳ هـ. ق. ۷۱۲ م از دنیا رفت. مستقدان گفته‌اند: در شعر، میان ترویش ماهر تر از او نبوده است. ذ. ک: دیوان عمر بن ابی ریح به مخزوم قرشی، شرح محمدصافی، دارالسعادة، مصر، ص ۳۱

۵- دیوان هندی بن زیدعبادی، تحقیق و جمع آوری محمد جبار معید، بغداد، ۱۹۶۵ م. ص ۱۸۲. هندی بن زید بن حماد بن زید عبادی تلمیذ، از شاعران بزرگ و تیزموش عهد جاهلیت است. وی اولین کسی است که در دیوان کسرا انوشیروان به عربی کتابت می‌کرده. و منوچم میباز او و عرب زبانتان بود. نعمان بن منظر حاکم حیره، به خاطر بدگویی اطرافیان، نسبت به او بدبین شد و به زندانش افکند

و در حدود ۳۵ سال پیش از هجرت، در زندان به قتل رساند.

۶. ر. ک: لسان العرب، مادة «حرب»

۷. مجلة لقطف، فوریه ۱۹۳۵ م، ص ۱۷۰

۸. تشودور تولدک (۱۲۵۱، ۱۲۴۹ هـ. ق/ ۱۸۳۶-۱۹۳۴ م) از بزرگترین

خاورشناسان آلمان است. وی بسیاری از زبانهای شرقی همچون

عربی، ارمنی، حبشی، عبری و هندی را بخوبی می دانست.

۹. رودودکو تاکیس (۱۸۷۶، ۱۹۲۵ م)، خاورشناس آلمانی است که برخی

از آثار وی عبارتند از: انتشار دیوان عبدالله بن عباس در قریه‌های همراه

ترجمه‌های آلمانی آن، معانی الشعر ابن قتیبه، الخنساء و مراتبها و

نصوص سبیه قدیمة.

۱۰. زکی، محمد، الفین الاسلامی فی مصر، صص ۵۲، ۵۳

۱۱. آل عمران/ ۳۷

۱۲. همان/ ۳۹

۱۳. مريم/ ۲۱

۱۴. ص/ ۲۱

۱۵. ساء/ ۱۳

۱۶. ابتداء در اصطلاح علمای اهل سنت با مفهوم آن نزد طلمای شیعه

تفاوت فراوانی دارد، که در اینجا براساس اصطلاح علمای اهل

سنت آمده است. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: صدر، صیدمستطاف،

فروس فی علم الأصول، دارالمنظر، بیروت، ۱۲۰۵ هـ. ق/ ۱۹۸۵ م،

حلقه اول، بحث اجواز عملیه الاستنباط، صص ۵۱، ۲۵. (مترجم)

۱۷. زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام الساجد، باحکام المساجد، تحقیق

شیخ ابوالرفاعه مصطفی سراجی، شماره ۱۲۶۵ هـ. ق، ص ۱۲۵۸

زرکشی (۱۲۵۵، ۱۲۹۲ هـ. ق) ۳۳ عنوان کتاب در علوم قرآن و تفسیر

این دارد، که از مشهورترین این کتابها، البرهان فی علوم القرآن

است که با تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم در سال

۱۳۷۶ هـ. ق/ ۱۹۵۷ م در قاهره، به چاپ رسید. در مقدمه آن به قلم

محقق کتاب، شرح مفصلی از زندگی مؤلف و ذکر کتابهای از

کتابهای وی وجود دارد.

۱۸. مقرئ فیرم، احمد بن محمد بن علی (د. ۷۷۰ هـ. ق)، المصباح

التفسیر فی شرح التفسیر (رافعی)، قاهره، ۱۹۲۶ م، ج ۱، ص ۶۶

من ۱۷۵

۱۹. اعلام الساجد باحکام المساجد، ص ۳۶۴

۲۰. مجلة عربیة، شماره ۲۲۵، شعبان ۱۳۹۷ هـ. ق/ اوتیل ۱۹۷۷ م،

ص ۶۷ به بعد

۲۱. سوره، به منبع و حواشی گفته می شود که نمازگزار هنگام نماز

خواندن، مقابل عویش قرآن می دهد تا جانان از آنجا عبور نکند و

تبرکت حواس او را برهم نزنند. (مترجم)

۲۲. ابن قیم الجوزیه، تفسیر الدین ابر عبدالله محمد بن ابن بکر زرمی

دمشقی (د. ۷۵۱ هـ. ق)، زادالعماد فی عقی غیرالمعاد، تحقیق و

تحلیل شمسیب الانارلاوط و عبدالقاهر الانارلاوط، موسسه

الرساله، بیروت و نشیبه المنار الاسلامیه، کویت، ج ۱،

صص ۳۰۳-۳۰۵

۲۳. در کتاب ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری، اثر قسطلانی

۲۴. (د. ۹۲۳ هـ. ق) ابوالعباس شهاب الدین احمد بن محمد، مکتبه

المطبی، بغداد، ج ۲، ص ۲۱۹، باب الصلاة (الحرب) آمده است: ... از

این عمر بن خطاب نقل است که پیغمبر (ص) در نماز روز عید فطر

و عید قربان نیزه کوچکی را بر زمین فرو می کرد - تا آن و سینه

خوش شمر دهد - سپس رو به آن نماز می گزارد. قسطلانی از فحول

بخاری در باب عمل النحره [وسیله کوچکی از نیزه های معمولی

که اهل سنت در آن رسود دارد] می افزاید: عبدالرحمن ابوعسود

اوزامی از تابع و او از ابن عمر نقل می کند: رسول خدا (ص) عزمه به

دست به سوی مصلا رفتند، در پیش روی خود قرار دادند و به سوی

آن نمازگزارند.

۲۵. در سنن ابی داود، (جستجوی از وی، سلیمان بن اشعث

۲۷۵، ۲۰۲ هـ. ق)، تحفیب و تعلیق محمد محی الدین

عبدالحمید، ج ۱، ص ۲۵۷) فعلی است با عنوان، باب مایستر

المعلی شامل احادیث مربوط به موارد استفاده رسول خدا (ص) از

حربه، عزمه، عصا، جهاز شتر یا خطه برای مخالفت از عبور مردم یا

حیوانات از مقابلشان در حین نماز - و نظیر آن نیز در سنن ابن ماجه

موجود است.

۲۵. گويا دكتر حسين مؤنس هنگام تأليف كتاب المساجد، از دوره

کتابهای فرهنگي «عالم المعرفة» - که شورای علمی فرهنگ، هنر و

ادب کویت منتشر می کند - از این رأی خود برگشته است. وی در

این کتاب تمام آنچه را که قبلاً در مجلة عربیة درباره ارتباط کلمه

محراب با کلمه حربه گفته بود به فراموشی می سپارد و تنها به

فهرست محتای که فرهنگهای لغت درباره تفسیر کلمه محراب

آورد، اکتفا می کند. آنگاه، وی در ذیل آن می گوید: این معنی

حکمی یا بکدهگر بسیار متفاوت و نهائماً برای ما روشن نمی کند

که چرا محلی که اسم حکام برپا داشتن نماز در مقابل آن

می ایستد، محراب نامیده شده است؟ متأسفانه در فرهنگهای

لغات هیچ گونه بیانی از نظور تاریخی لفظ و معانی و استعمال آنها

وجود ندارد. بنابراین، تنها می نویسد که کدام یک از این معانی

قدیمتر و کدام جدید است. احتمالاً این معنی لفظ محراب نیز

جدید هست و پس از استعمال قرآن در معنی معروف آن، به وجود

آمده است.

۲۶. ر. ک: عابدین، عبدالحمید، بین الحبشنة والعرب، دارالفکر

الحرسی، صص ۹۹-۱۱۰، گولف بیرجستراسر (۱۸۸۶، ۱۹۳۳ م)،

خاورشناس آلمانی و دارای تألیفاتی در بورس زبانهای سامی و از

آن جمله زبان عبری است. وی هنگامی که در قاهره به سر

می برد، قرآن کریم را از قاری مشهوری شنید و نسخه های او را با

نت موسیقی نگاهت. ر. ک: ولی، طه، الاسلام والمسلمون فی

الحیات بنی الآس والیوم، بیروت، ۱۳۸۶ هـ. ق/ ۱۹۶۶ م

۲۷. ر. ک: مؤنس، حسین، الدیاسجده، ص ۱۷۶، دكتر جواد علی در این باره

می گوید: مساجد پیوسته همان جایی که در آن عبادت

می کنند، معروف به محراب بوده است و در پیش منسوب به قیس بن

الحظیم نیز بدین مطلب اشاره شده است. اما در مسیحیت محراب

لفظ به صدر کلیسا اطلاق می شد.

علاقه مند بود که به سوی کتبه بازگردد. لذا فرمودند: ای جبرئیل! من دوست دارم که خداوند روی مرا از قبلاً پهنه بگرداند.

جبرئیل گفت: من، بنده ای بیش نیستم. خدا را بخوان و از او بطلب.

از آن پس پیشبسیروس(ص) مرگه رو به بیت المقدس اقامه نماز می کردند. و صورتشان را به سوی آسمان می گرفتند. پس این آیه نازل شد: فقد نرى قلبك وجهك في السماء لتزليتك قبلاً ترشعاً. پس به سمت کعبه در قسطنطنیه نوازد فرار دادند و روی کردند. ر. ک: ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۲۱

۲۲. فیروز (د. ۱۶۸ هـ. ق) ابو سعید الرحمن الطفیل بن محمد بن یحیی بن عامر بن سالم رمال، مفسهلیت، تعلیقین و شرح احمد شاکر و عبدالسلام محمد هارون، دارالمنار، مصر، ۱۳۲۲ هـ. ق/ ۱۹۶۲ م

۲۳. کریستی، آر. تولد و پیرنگ، ثرات الاسلام، The Legacy of Islam، با ترجمه، شرح و پانوشت زقی محمد حسن، لجنة الجامعین لنشر العلم، القاهرة، ۱۹۳۶ م، ج ۲، صص ۱۱۸، ۱۱۹

۲۴. ابن بطوطه، تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار، طبعة التقدم، القاهرة، ص ۱۷۱، در کتاب مساک ابن فضل الله عمری چنین آمده است: و در جانب شرقی مقصوره، محراب معروف به محراب الصحابه قرار دارد، که محراب مسلمانان مصر اسلام است و اکنون مالکیان بر آن نماز به پا می دارند.

۲۵. ابن بطوطه، رحلة، ج ۱، ص ۵۲

۲۶. خطط، ج ۲، ص ۲۲۷، این تفسیری بر دی، المسجود الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، دارالکتب المصریة، ج ۱، ص ۶۷

۲۷. همان، ص ۲۱۵

۲۸. مکتوبی سوسر (د. ۹۹۸ هـ. ق)، علاء الدین علی دؤد، محاضرة الاوقاف و مسامرة الاوقاف، روی امام سرم سلطان سلیمان در نزدیکی شهر مکتوب و شرح آن خاتمه بود.

۲۹. وفاه الرقا بانیا در المصطفی (ص)، ج ۱، ص ۲۷۲

۵۰. همان، ص ۳۶۸

۵۱. ابن بطوطه می گوید: عثمان برای مسجد مدینه محراب ساخت ... گفته اند که مروان بن حکم اولین پائی محراب است، و برخی نیز جبرین عبدالعزیز را در زمان خلافت ولید اولین آنان می دانند.

۵۲. ذکری، احمد، مسجد القیروان، صص ۵۷، ۵۹

۵۳. المسجد الجامع بالقیروان، ص ۸۱، به نقل از: الفن الاسلامی فی التفسیر والانکسار، ج ۱، ص ۱۹۹، کاتبشاه کروزوبیل در کتابش Early Muslim Architecture می گوید: محراب که زیر قبة الصخره قرار دارد، بسیار ساده و توفشگی کم عمق دارد. این شکل در سال ۹۱ هـ. ق/ ۷۰۸ یا ۷۰۹ م به کار گرفته شده است. سؤال این است که آیا مؤسس این محراب، همان سازنده قبة الصخره، یعنی عبدالملک بن مروان است؟ کتبه ای کوفی بالای مظلماقی محراب، این سخن را تأیید می کند.

پانزدهمین روز چهلین نتیجه می گیرند: محراب مسجد الصخره قلمبهترین محراب در اسلام می باشد و تاریخ مساعت آن پیش از مساعت محرابهای کوفه رفته است. محراب مسجد الصخره ساده و تو

وی در جای دیگر می گوید: ... و محراب از القاضی است که صحیحان آن را جزء امور دینی شان استعمال کرده اند. زیرا بر صدر کلیساها اطلاق می شده است. همین لفظ در اسلام نیز مورد استعمال قرار گرفت و اشاره به قبة مسجد یعنی جای که امام جماعت در آن می ایستد، داشته است. ر. ک: علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۶، صص ۵۵۱، ۵۵۵

ولی وقتی به کتاب المشوکلی سیرطی که کلمات حبشی، فارسی، هندی، ترکی، القرقاس، نیطی، سریانی، عبری، رومی و یونانی قرآن را جمع آوری کرده است مراجعه شد، در میان ۲۸ کلمه ای که مؤلف آنها را حبشی می داند، کلمه محراب یافت نگردید.

۲۸. المعارب العراقية، ص ۳۹، به نقل از: مجلة سومر، ۱۹۵۲ م، شماره ۱۰، ص ۱۷۰، سفرنامه بنگام، ترجمه عربی از محمد علی حلاری

29. Milles, Georges c. *Mihrab und Anazah A Study in Early Islamic Iconography*, p.159

30. Briggs, Martin s. *Muhammadan Architecture in Egypt and Palestine*, p.59, Oxford, at the clarendon press, 1924

31. Sauvaget, Jean. *La Mosquee Omayyade Medine*, Paris, 1947

۳۲. دینوری، ابوجزیه احمد بن داوود، الاخبار الطوال، ۱۳۳۰ هـ. ق، صص ۳۵۵، ۳۵۲

۳۳. ر. ک: بیان ملعب الباطنیة و بطلان، صص ۲۲، ۲۵، به نقل از فیلس، محمد بن حسن، شواهد عیانیة ال محمد (ص) تصحیح شروطمان، النشریات الاسلامیة لجمعية المستشرقین الألمانية، استانبول، ۱۳۳۸

۳۴. اسان العرب، ماده قبل

۳۵. وفاه الرقا بانیا در المصطفی (ص)، ج ۱، ص ۱۳۶، این زبانه همان محمد بن حسن بن (باله) د. حدود ۲۰۰ هـ. ق، صاحب کتاب اخبار المدینه با تاریخ المدینه است.

۳۶. وی، محمد بن یوسف بن یطوب (د. ۳۵۵ هـ. ق/ ۹۶۶ م) از پیش گفته است که نسبت به تاریخ مردم، حاکمان و سرزمین مصر، جزء آگاهترین افراد بود. وی علم حدیث و انسب نیز می داشت.

۳۷. یزیدبن ابی حنیب فردی محدث بوده و بزرگان مصر از او روایت کرده اند. وی در روایت ثقه بوده و حدود ۷۵ سال زندگی کرده و به سال ۱۲۸ هـ. ق از دنیا رفت.

۳۸. خطط، ج ۲، ص ۲۲۶

۳۹. بقره، ۱۱۵

۴۰. المساجد، ص ۷۲

۴۱. در این باره ابن سعد می گوید: زمانی که رسول خدا (ص) به مدینه مهاجرت کرده مدت ۱۶ ماه به سمت بیت المقدس نماز گزارد، اما

- رفنگی کم عمقی داشت. ر. ک: حاج محمد تونونجی، نجاة
 بونس، المحارِب العِراقِیَّة، ص ۳۸۳۷
۵۴. اعلام الساجد باحکام المساجد، تصحیح ابوالوفا مصطفی
 هرازی، قاهره، ۱۳۸۹ هـ. ق
۵۵. موسیقی است بین جامع شهر بیت المقدس و دشت
 ساهره، دهخدا، لغت نامه، واژه اولی جهنم
۵۶. مجله قدس، جمادی الاول ۱۲۰۰ هـ. ق/ اول نیسان ۱۹۸۰ م، شماره ۵
 ر. حلقه ۱۶، مطبوعه السعادة، مصر، ۱۳۳۶ هـ/ ۱۹۰۸ م، ص ۱۹۰
۵۷. نجاة بونس در محارِب العِراقِیَّة من گوید: نصوص عربیه ای
 درباره محراب مسجد کوفه، به این نکته اشاره دارند که ساخت این
 محراب در زمان عثمان بن عفان بوده است، اما این مطلب برای
 اثبات نیاز به سند محکم دارد. اما ادراک کل آثار باستانی در آن محل
 حفاری انجام نداد، است تا دلیل محکمی برای این نظریات پیدا
 شود، ولی یافته های این اداره نشان می دهد که حد و سرز مسجد
 کوفه با آنچه هم اکنون وجود دارد و حتی با آنچه ابن سبیر هنگام
 سفرش دیده، متفاوت است. منابع تاریخی نیز می گویند که شکل
 کنونی مسجد کوفه، در عهد معاویه بن ابی سفیان و توسط زیاد بن
 ابی بنشاده است. ر. ک: المحارِب العِراقِیَّة، ص ۲۲، ۲۵
- به گفته نویسنده، وی در بیان این مطالب، به ویژه تأملات مسجد
 الکوفة که توسط اداره کل آثار باستانی بغداد در سال ۱۹۲۰ م
 منتشر شده، اعتماد کرده است.
۵۸. رساله، ص ۲۲۲
۵۹. ابن حفاری سراسر کتب، السیمان المشرب لى اخبار الاندلس
 والشرب، تصحیح ج. س. کسولان، و ا. ایسوی پروفسران،
 دارالتفاهة، بیروت، ج ۱، صص ۲۰۲-۲۱۰
۶۰. عطف، ج ۲، صص ۲۲۸، ۲۲۹
۶۱. همان، ص ۳۵۶
۶۲. برض از سلاطین فاطمی به خاطر فسی که از عبدالله بن محمد
 فاطمی علوی می برند، بدین نام خوانده می شوند. ر. ک: زرنگی،
 اعلام، ج ۱، ص ۶۲۰
۶۳. البهی، محمد، الاثر تاریخیه ونظریه، ص ۱۱۵
۶۴. همان، ص ۱۳۲، احمد شکرى می گوید: محراب مسجد
 الاثر، قدیمترین محراب برجای مانده در بنیامی اسلامی محسوب
 است، زیرا محراب مسجد ابن طولون در عهد لاجین (۷۷۰ هـ. ق/ ۱۳۳۴ م)
 تجدید بنا شده است. ر. ک: مساجد القاهرة و مدارسها، ج ۱، ص
 ۱۵۹، پانزشت
۶۵. مساجد القاهرة و مدارسها، ج ۱، صص ۱۶، ۱۷، مقریری در عطف
 درباره سینه نقیسه می گوید: او دختر حسن بن زید بن حسین بن
 علی بن ابی طالب (ع) است. وی بسیار صالح و زاهد بود. او در ماه
 رمضان سال ۲۰۸ هـ. ق درگذشت و در منزلش دفن شد.
- بنابر کتیبه حکامی شده بر روی صندوق چرمی واقع بر مقبره سینه
 زهیده در قاهره، وی دختر علی بن ابی طالب (ع) است. در آن کتیبه
 چنین نوشته شده است: «هذا ضريح السيدة زهيدة بنت امير المؤمنين
 علی بن ابی طالب - صلوات الله علیها ...»
۶۶. مساجد القاهرة و مدارسها، ج ۱، ص ۱۰۳
۶۷. مصطفی، صالح لى، التراث المساری الاسلامی بمصر، جامعه
 بیروت العربیة، ۱۹۷۵ م، ص ۵۶ نویسنده، استادیار رشته معماری
 در دانشکده مهندس دانشگاه اسکندریه و بیروت است.
۶۸. المحارِب العِراقِیَّة، ص ۲۹، به نقل از منابع قبل:
- مساجد القاهرة و مدارسها، مقدمه کتاب
 - سفر، فزاد، مجله سومر، ۱۹۶۰ م، ج ۱۶، مقاله «التحریبات الأثریة
 فی مناطق الری الکبری فی العراق»، ص ۱۶
- استاد باستان شناس به دست آمده از حفاریهای ستر رودخانه
 دهلای
- استاد و مدارک استاد محمد علی مصطفی از سال ۱۹۵۸ م
۶۹. احمد فکری، درباره حرم سنده زهیده در قاهره می گوید: اولمشهد
 خسته محارِب مجوفه، ر. ک: مساجد القاهرة و مدارسها،
 ج ۱، ص ۱۰۷
۷۰. قرائه، نام گورستان اصلی مسلمانان در قاهره است. باقوت در
 معجم می گوید که اسم آن از «قرائه» که طایفه ای از قبیله
 دمسافرانند گرفته شده است، که در آنجا سکن گزیدند. لذا، این
 سرزمین به نام آنان خوانده می شود. در عطف مقریری آمده
 است: ... در آن، مسجدجامع و قبور مشاهیر فراوانی وجود دارد. در
 آن مکانهای بوی قادیان و مدرسه بزرگ شافعیان است. همیشه از
 شادی و خوشی خالی است، بویژه در شبهای مهتابی. آنجا
 بزرگترین محل اجتماع مردم مصر و مشهورترین تفریحگاه آنان
 است. درباره آن می گویم:
- إن القرافة صوت عذین من
 دنیا، و آخری، فیهی نعم الدنزل
 یفشی الخلیج بها السماع مواصلاً
 و بطرف حول غیرها التبتل
 کم لیلۃ بتانها و لثمننا
 لحن یکاد یذوب منه الجندل
 والبدر قد ملأ البیضة نوره
 فکأنما قد فاض منه جدول
 و بدأ یضاحک أوجها حاکبته
 لما تکامل وجهه الشهلل
 بالقرت از ابو سعید محمد بن اسمع حدیثی نقل کرده است:
- إذا ما ضاق صدری لم أجدی
 مفر عبادة الا القرافة
 لئن لم یرحم الملوی اجتهادی
 وقله ناصری لم التی راه
 گروهی از محدثان به قرائه مستحب.
۷۱. اعلام الساجد باحکام المساجد، ص ۲۵۸ ... منظور از محراب
 پیشبر (ص)، مکان نماز ایشان است، زیرا در زمان رسول خدا (ص)
 گفته ترصحه' ۸۵

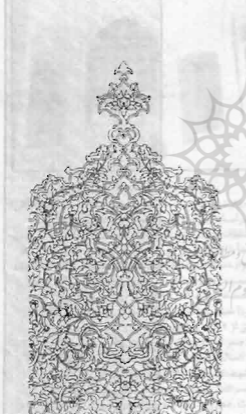
محراب نبوده، سایر بقعه‌های که رسول اکرم (ص) در آن نماز خوانده‌اند نیز اگر با لفظ محراب ضبط شده باشد، در حکم مسجد تلقی است.

۷۲. رتبه الوکله باصبار والرمضان (ص)، مصر، ۱۳۲۶ هـ. ق، جزء ۱، ص ۳۷

۷۳. ترات الاسلام، نگاشته جنسی از عاوردستان، زیر نظر سرتومان آرنولد، برگردان به عربی و تعلیق جرجیس فتح الله سعیدی، دارالطبعة، بیروت، ص ۲۳۷

۷۴. المصاریب العرفیة، ص ۴۲، به نقل از :

Bulletin of school of Orient and African Stud
ies, "Mihrab", vol 12, part 3, pp. 447-448, 453



شیوه معماری و تزیین در سند، از همه جالب توجه‌تر، محراب مرکزی شبستان است. محراب در همه مسجدها دارای اهمیت فراوان است، و از این جهت بدان توجه بیشتری مبذول می‌شود. از این رو، طاق بلند آن با سنگ زرد آراسته به نقشها و کتیبه‌های قرآنی، مزین شده است. هنر حجاری سندی کاری بس والا و کهن بوده است، که از هنر گجراتی معمول در مسجد هلال شان غازی در دولکا و مسجد جامع چامپاتر با آرامگاه مبارک شاه در محمود آباد متأثر است. اما با این همه، مشخصات هنرمندان سندی در هر دقیقه‌ای از دقایق آن جلوه گر است. در عرصه تزیینات کاشیکاری، این مسجد نمونه‌ای است والا و کم نظیر. کاشیهای لمایی و رنگارنگ این مسجد، از نخستین کوششها و نمونه‌های کاشی سازی در پاکستان شمرده می‌شود. بعدها این هنر تکمیل شد، و در مسجد شاه جهان در تته و مزار امیرخان در مکتلی به اوج رسید. این آثار دنباله‌ای از هنر متبسی از ایران است. با اینهمه، کاشیکاریها و کاشیهای سندی مشخصات و جلوه‌های خاصی دارد، که سبک معماری و تزیین سندی در آن نمودار است.

پانوشنها :

۱. قانع، میرعلیشیر، *تعمقة الكرام، چاپ حسام الدین راشدی، حیدرآباد، ۱۹۷۱ م*

2. Cousen, Henry, *Antiquities of Sind Calcutta, 1929, p. 121.*

۳. منابع کتاب شناسی درباره این شخص، تقریباً در همه تاریخهای محلی سند منظور است. برای شرح مختصر احوال او به شرحی که سید حسام الدین راشدی در کتاب مکتلی نامه میرعلیشیر قانع (چاپ حیدرآباد، ۱۹۶۷ م، صص ۱۵۹-۱۶۲) نگاشته است و نیز نسخه الکرام (صص ۲۱۲-۲۱۷)، مراجعه شود. شرح بالا هم از این منابع نقل شده است.

۴. بیرمحمد، طرخمان نامه، چاپ حیدرآباد، صص ۹۵، اما قانع می‌نویسد که خسرووشان از فرسان سهندنگیر نژاد و به لاهور بنادر گریخت، و سپس به ایران رفت و در آنجا فوت کرد. ولی آشکار است که بازمی‌بین روزهای عصر خسرو را در اجسور گذراند، و در ۱۰۲۸ هـ. ق/ ۱۶۱۸ م، مرد. مزار او در محوطه عواجه معین الدین پیشی است. ر. ک: *تعمقة الكرام، صص ۲۱۲، پاژرفی ۱*

● مجله خنود مردم، بهمن ۱۳۵۳، شماره ۱۵۹، صص ۳۸-۲۵